**کاظم نیکخواه**

**خامنه ای و پیام انقلاب مردم**

یکی از نشانه های قدرتمندی خیزش مردم، وحشت و سرگیجه و درهم ریختگی ای است که در بالای حکومت کاملا به چشم میخورد. طی این یکی دو ماه بعد از شروع موج جدید خیزش مردم، شخص خامنه ای چند جور مختلف و متضاد حرف زده است. اول گفت: «من در خصوص این قضایا حرف‌هایی دارم و در وقت آن با مردم عزیزمان سخن خواهم گفت." بعد از مدتی به روال معمول اعتراضات را به خارج مرزها حواله داد و گفت: "این اعتراضات را یک دولت خرپول راه انداخته است". بعد با شانه بالا انداختن گفت: "اعتراض‌های مردمی در این کشور همیشه بوده، الان هم هست" و بعدتر گفت: "دشمنان ایران" هم پیمان شده اند تا برای نظام اسلامی مشکل ایجاد کنند. و بالاخره روز یکشنبه این هفته ١٨ بهمن همه اینها را به نحوی کنار گذاشت و یک چرخش کرد و گفت: "در زمینه عدالت باید از مردم و خدا عذرخواهی کنیم" و تاکید کرد "در مورد جوانان ما مسئولان کوتاهی کرده ایم". و بعلاوه در اشاره به اعتراضات کارگران و مردم به اختلاسها و حقوقهای نجومی گفت "حرکت به سمت اشرافی گری" و دل سپردن به "طبقات مرفه به جای مستضعفان" و قشرهای ضعیف و "بی مبالاتی در زمینه بیت المال" بازگشت به اوضاع قبل از انقلاب است. و ادامه داد که "حتی ممکن است کسی از شخص حقیر انتقاد داشته باشد". این سخنان اخیر او همه را بیاد سخنان تاریخی محمد رضا شاه پهلوی انداخت که در اوج انقلاب ٥٧ روی صفحه تلویزیون ظاهر شد و گفت "من پیام انقلاب شما مردم را شنیدم" اما این شنیدن کمکی به او نکرد و خیلی زود ناچار به فرار از ایران شد.

حقیقت اینست که اعتراف خامنه ای هم کمکی به حکومت نمیکند. برعکس باید گفت که خامنه ای به اعتراف مهلکی ناچار شده است. بگذارید اول در اشاره به یک بحث قدیمی تاکید کنم که برخلاف اینکه برخی جریانات گیجسر و راست و سلطنت طلب مطرح میکنند، مشکل شاه این نبود که پیام انقلاب مردم را دیر شنید. بلکه هر وقت پیام مردم را میشنید آن دیکتاتوری با ساواک و دربار و اشرافیت و با آن ساختار و ماهیت و ترکیبش کاری جز سرکوب در پاسخ به پیام انقلاب مردم یا خواستهای مردم که آزادی و رفاه و منزلت بود نمیتوانست بکند. خامنه ای هم امروز همین مشکل را دارد. او به اعتراف مهلکی ناچار شده است. "اشرافی گری" و مسابقه "حیف و میل کردن بیت المال" یا دارایی های مردمی و تبعیض و بیعدالتی در حق بخشهای مختلف مردم جزو ساختار و ماهیت پایه ای و تغییر ناپذیر جمهوری اسلامی است. همه دست اندرکارانش کارشان همین است. جز با سرنگونی جمهوری اسلامی نمیتوان این خصائص را از بین برد.

این حکومت یک حکومت سرمایه داری اما از نوع مافیائی و مذهبی آنست که بدترین نوع حکومت سرمایه داران است. اشرافی گری و بخور بخور و دزدی و زورگویی و بی عدالتی و تبعیض در کنار تحجر خفه کننده مذهبی جزو ماهیت جمهوری اسلامی است. اعتراف خامنه ای و دست اندرکاران حکومت به این دزدیها و اختلاسها و اشرافی گریها فقط دست مردم را برای حمله بازتر میکند. و این را مردم به این حکومت تحمیل کرده اند که با چپاول آشکار و با رانت خواری و پروار شدن سریع دست اندرکارانش معنی پیدا میکند. صدها نهاد دزدی تحت نامهای مختلف درست کرده اند که هیچکس در حکومت نمیتواند به آنها دست بزند. کل سپاه پاسداران و نهادهای عریض و طویل و بوروکراسی دولتی کارشان پرکردن جیب عشیره و قبیله شان از پول است. خود خامنه ای در راس مافیای اختلاس و چپاول قرار دارد. اینکه در درون حکومت گفتمان اشرافی گری و دزدی راه بیفتد مثل گفتمان اختلاس که قبلا راه افتاد و به جنبش مردم سوخت داد، این اعترافات نیز سکویی برای تعرض بیشتر مردم به آقازاده های دزد و بی خاصیت خواهد شد. مردم کارد به استخوانشان رسیده و مصممند از شر جمهوری اسلامی خلاص شوند.

تاکنون جمهوری اسلامی در برابر خیزش مردم وسیعا از روشهای جنایت و سرکوبش با دست و دل بازی استفاده کرده و شمار بسیاری را دستگیر کرد و دهها تن را در زندانها تحت عنوان خودکشی به قتل رساند. خامنه ای بعد از همه این جنایات زبان گشوده است و میگوید ما جوانان را درک نکرده ایم. چرا؟ چون این روشها عدم کارآیی خودرا برای ساکت کردن جامعه نشان داده است. در این شرایط است که خامنه ای از اشرافی گری در بالای حکومت انتقاد میکند. در ادامه این کشتارهاست که خود را قابل انتقاد عرضه میکند. در واقع نکته اصلی در مورد پیام خامنه ای فقط شنیدن پیام انقلاب نیست. او در عین حال به وحشت خود از انقلاب مردم نیز اعتراف میکند. او نه فقط در اشاره به اختلاسهای سران حکومت و از جمله وابستگان خودش بنام "بی مبالاتی در زمینه بیت المال" یاد میکند، بلکه با گفتن این حرفها دارد میگوید حرفهای یک ماه قبلش در زمینه توطئه دشمنان مردم غلط و بی پایه بوده است.

او این "غلط کردم" را در برخورد به اعتراضات جوانان نیز تکرار میکند. همین جوانانی را که امروز خامنه ای ستایش میکند، یک ماه قبل بنام مزدور دولتهای خارجی اسم برده بود. اشاره اش به "اشرافی گری" و رویگردان شدن حکومت از مستضعفین نیز یک نوع غلط کردم در برخورد سرکوبگران به اعتراضات کارگران و بازنشستگان و مالباختگان علیه اختلاسهای نجومی و املاک نجومی و حقوقهای نجومی است.

جمهوری اسلامی فهمیده است که خیزش کنونی در جامعه جدی تر از این حرفهاست. فهمیده است که باید کاری بکند. دستگاه سرکوب را سالهای سال برای همین روزها سازمان داد. اما مردم هم راههای فلج کردن دستگاه سرکوب را پیدا کرده اند. یک جنگ تعرضی و فرسایشی علیه حکومت در جامعه جریان دارد. تمام بخشهای جامعه از کارگران، بازنشستگان، معلمان، جوانان، دختران و پسران و دانشجویان هرکدام به شکلی با حکومت در حال جدالند. جمهوری اسلامی در عمل متوجه شده است که این جنگ همه جانبه اجتماعی را با دستگاه سرکوب نمیتواند عقب براند.

مقابله دختران انقلاب با حجاب اجباری یک نمونه ظاهرا کوچک است که با حمایت وسیع مردم مواجه شد و عملا سیاست حجاب اجباری جمهوری اسلامی را به شکست کشانده است و دستگاه امر به معروف و نهی از منکرش را زمینگیر کرده است. تظاهرات و راهپیمایی کارگران و بازنشستگان و معلمان نیز شکل دیگری از اعتراض به تبعیضات و دزدیهاست که رو به گسترش است و دستگاه سرکوب در برابر ان کاری نمیتواند بکند. تعرضات هرروزه در گوشه و کنار به نهادهای حکومتی توسط جوانان نیز قابل شناسائی و سرکوب نیست. این یک خیزش اجتماعی به گستره کل جامعه علیه یک حکومت منفور و منزوی است. زن و مرد و پیر و جوان دست اندرکار مبارزه اند. خامنه ای اکنون با غلط کردم و اعتراف به اشرافی گری و غیره میخواهد این جامعه ملتهب را ساکت کند. روشن است که این یک تقلای مذبوحانه است که خودشان هم میدانند که راه به جایی نمیبرد.

ایران کنونی جامعه آگاهی است که با خواستها و شعارهای مبارزاتش دارد میگوید عقب ماندگی و قوانین ضد انسانی اعدام و قصاص و تبعیضات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و قومی وجنسی را دیگر مطلقا نمی پذیرد و مردم آزادی و منزلت و رفاه و اختیار میخواهند و مصممند آنرا عملی کنند. تنها راه برای این حکومت در برابر مردم آگاه و مدرن و پیشرو و رزمنده این جامعه سرنگونی است و بس.